

■ **علیرضا محمدی**

یکی از نکاتی که پس از تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی و امریکا به کشورمان رخ نشان داد، بیان و بروز نام و یاد سرداران رشیدی بود که به دلیل مسئولیت‌ها و نوع مشاغل‌شان هیچ نام و نشانی از آنها وجود نداشت. این فرماندهان شهید تا در کنار ما حضور داشتند، نامی از آنها مطرح نمی‌شد و البته خود نیز گمنامی را می‌پسندیدند. گویی بهانه‌ای چون شهادت لازم بود تا شمه‌ای از خدمات، سختی‌ها و زحماتی که برای اعتلای ایران اسلامی کشیده بودند، در دوران پس از جنگ بیان شود. شهدایی چون محمود باقری فرمانده موشکی هوافضای سپاه، محمد حسن محقق، جانشین سازمان اطلاعات سپاه، مر تظی طیب مسعود از فرماندهان هوافضای سپاه، شهید نصیر باغبان، معاون اطلاعات نیروی قدس سپاه و... از جمله این شهدا بودند.

■■■■

■ **سردار شهید محمود باقری**

■ **کابوس صهیونیست‌ها و امریکا**

شهید محمود باقری در زمان شهادت فرمانده موشکی نیروی هوافضای سپاه بود. این فرمانده رشید و یگان تحت امرش، کابوسی برای رژیم صهیونیستی و امریکا به شمار می‌رفتند. بعد از شهادت حاج محمود، تصاویری قدیمی از او در کنار شهدایی چون حاج حسن طهرانی مقدم و سردار امیرعلی حاجی‌زاده منتشر شد که نشان می‌دهد؛ شهید باقری به عنوان یکی از پیشکوتان هوافضای سپاه از سال‌های دور در این یگان حساس و تخصصی فعالیت می‌کرد. او یکی از اولین فرماندهان شهید سپاه در بامداد روز ۲۳ خرداد بود. فرماندهی که موشک‌های او و همزمانش در وعده صادق (۱) بالای جان صهیونیست‌ها شد و اخیراً نیز انتشار تصاویر اصابت ۹ موشک سپاه به پایگاه استراتژیک تل نوف رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد، شهید باقری و یارانش در این دو عملیات چه کردند و چه شربات سختی به صهیونیست‌ها وارد کردند.

■ **۱۵ سال فرماندهی گمنام**

نکته بارز در زندگی شهیدمحمود باقری این مسئله است که او از سال ۱۳۸۸ با حکم فرماندهی معظم کل قوا به فرماندهی موشکی هوافضای سپاه منصوب شده بود. اما در تمامی این سال‌ها و به‌رغم عملیات بزرگی که یگان موشکی سپاه در هدف قرار دادن پایگاه امریکایی عین‌الاسد، پایگاه گروه‌های جدایی طلب و تروریست در شمال عراق و سوریه و نهایتاً دو عملیات بزرگ وعده صادق ۱ و ۲ انجام داده بود اما کمتر کسی با نام این شهید بزرگوار آشنا بود.

شهید باقری در طول ۱۵ سال تصدی این سمت، استانداردهای موشکی ایران را در سطحی بالا برد که اثرات آن در عملیات وعده صادق ۲ به وضوح نمایان شد. فرزند شهید باقری در خصوص پدر و گمنامی‌ا گفته است: شهید باقری گرفتن بالاترین مدال نظامی کشور از دست فرمانده کل قوا را حتی به خانواده‌اش نگفته بود. جز خدا و خدمت به این مردم، دنبال هیچ تبلیغ، ترفیع و ترفیعی و دنبال هیچ موقعیت و منصب و منفعتی شخصی نبود. فرزند شهید همچنین گفته است: او چنان خدایی و خالص شده بود و چنان از همه تعلقات و تمنیات دنیایی رها بود که همه خانواده در آن روزهای آخر و پیش از شروع جنگ تحمیلی

سرداران گمنامی که پس از شهادت شناخته شدند

آنان مخلصانه و گمنام به ایران و ایرانی خدمت کردند



شهید حاج حسن محقق در دوم از چپ، سردار کزازی نفر چهارم و شهید دستواره نفر ششم

خطرات ایشان از کردستان بسیار جالب بود. بعدها همین قرار گاه رمضان یکی از بخش‌های تشکیل دهنده نیروی قدس سپاه شد.

■ **عاشق خدمت به مردم**

پس از پایان دفاع مقدس حضور شهید باغبان در جبهه مقاومت اسلامی باعث شد تا او همچنان دور از زادگاهش دزفول باشد و در هر جایی که حضور داشت، هیچ نام و نشانی از او وجود نداشته باشد. به قول هم‌رم شهید: خلاصه زندگی او در یک کلام تعریف می‌شود. ایشان یک رزمنده مکتبی بود. یک سرریاز ولایت و دین و میهن که عاشق خدمت به مردمش بود. شهید نصیرباغبان سال‌ها در دفاع مقدس در جبهه‌های مختلف جنگید. بعد از جنگ هم از افغانستان بگیر تا عراق، سوریه، لبنان و... حضور داشت. مدتی هم در کنسولگری ایران در بصره خدمت کرد. هر کاری و مأموریتی که به او محول می‌شد به بهترین شکل انجام می‌داد.

■■■■

■ **شهید حاج حسن محقق**

■ **یک عمر رزمندگی**

شهید محمدحسن محقق معروف به «حاج حسن محقق» نیز از دیگر سربازان گمنام امام زمان(عج) بود که در آخرین سمت زمینی‌اش به عنوان جانشین اطلاعات سپاه روز ۲۵ خردادماه ۱۴۰۴ در کنار سردار شهید محمد کاظمی، فرمانده سازمان اطلاعات سپاه و در پی حمله موشکی اسرائیل به شهادت رسید. شهید محقق از قدیمی‌ترین نیروهای اطلاعات- عملیات در دفاع مقدس بود که به گفته یکی از هم‌زمانش، کارهای اطلاعاتی را در اولین ماه‌های جنگ تحمیلی صدام علیه ایران در دشت‌های ذوالفقاری آبادان شروع کرده بود. او ۱۷ سالگی وارد جبهه‌های جنگ شده بود، به‌رغم مجروحیت‌های متعدد، تا پایان جنگ در جبهه‌ها ماند و فرماندهی گردان و سپس تیپ حبیب از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را برعهده داشت.

■ **جانباز همیشه پای کار**

شهید محقق در تک سنگین و گسترده‌روزهای آخر جنگ عراق به ایران، به همراه نیروهای تیپ حبیب به مقابله دشمن رفت که در جریان همین زدوخوردها گلوله‌ای کنارش منفجر و به شدت مجروح شد. در این واقعه یک پای حاج حسن از بالای زانو قطع شد و زانوی پای دیگری هم فیکس شد؛ یعنی دیگر خم نمی‌شد. او سال‌ها با یک پای قطع شده و پای دیگری که حتی نمی‌توانست آن را خم کند، در میادین مختلف حضور یافت و عاقبت نیز به دست شقی‌ترین دشمنان اسلام که همان صهیونیست‌ها باشند به شهادت رسید.

■ **باشاهدات رفت**

سردار قاسم صادقی هم‌رم شهید در شرح خاطره‌ای از او می‌گوید: در حج خونین سال ۶۶ من و حاج حسن به حج رفته بودیم. من در یک کاروان و ایشان هم در کاروان دیگری بود. در مراسم برأت از مشرکین که ایادی سعودی حجاج ایرانی را مورد ضرب و شتم قرار دادند، حاج حسن در صف اول بود و ایشان را طوری زده بودند که نفسش بالا نمی‌آمد. جبهه‌ها ایشان را حمل کردند و بردیم در کاروان آنجا نفس ایشان را احیا کردیم. من به شوخی گفتم حاج حسن بالاخره حلاوت را می‌خورم. ایشان گفت: نه من حلاوت را می‌خورم. تا این اواخر هر بار دیدم‌گر را می‌دیدیم همین شوخی رو دوبل می‌شد. نهایتاً او با شهادت رفت و ما هنوز حسرت به دل مانده‌ایم.



ارتباط با ما ۰۶۰۰۳۳۰۸۵۵

خاطره

۲خاطره طنز از دفاع مقدس

در گفت‌وگو با جانباز رمضانعلی کاووسی

معصیت‌کار کجانشسته‌ای؟

شهید شدیم، دست خدا درد نکته!»

■ **معصیت کار کجایی؟**

نمی‌دانم برادر مداح صدای آن بسیجی را شنیدند یا نه، اما درست بعد از حرف‌های ایشان گفت: ای گنهکار! کجا نشستنی؟ ای معصیت کار کجا نشستهای... همان رزمنده بسیجی رو به برادر مداح کرد و گفت: دنبال گنهکار نگرد. گنهکار پشت میکروفن ایستاده. این بچه‌ها همه پاک و منزه هستند و فعلاً هم قصد شهید شدن ندارند. با حرف‌های آن برادر بسیجی یکباره جو مجلس بهمی ریخت و همه زدند زیر خنده...

■ **دعای کمیل در اسارت**

یک خاطره دیگر از مراسم مداحی و ادعیه‌خوانی در دوران اسارت از زبان یکی از آزادگان دفاع مقدس شنیدام که برای تان تعریف می‌کنم. این برادر آزاده که در اردگاه موصل ۳ حضور داشت، تعریف می‌کرد: به‌رغم اینکه اردگاه ما در لیست صلیب



سرخ بود، ولی ما شرایط سختی آنجا داشتیم. یعنی‌ها به هیچ عنوان اجازه بر گزار می‌مراسم مذهبی را به ما نمی‌دادند. حتی اگر نماز جماعت بود، اگر مراسمی بر گزار می‌کردیم و لواز طرف دیگر، بر گزار می‌مراسم معنوی مثل دعای توسل یا کمیل واقعا در شرایط سخت اسارت یک قوت قلبی برای همه ما بود. لذا نمی‌توانستیم از اثرات این مراسم معنوی دور بمانیم و به هر سختی بود مراسم ادعیه یا مراسم عزاداری بر گزار می‌کردیم.

■ **گنهکار نداریم!**

یک شب قرار شد دعای کمیل بر گزار کنیم. چند نفر از بچه‌ها طبق معمول کنار در و پنجره‌ها ایستادند تا حواس‌شان به نگهبان‌ها باشد. یکی دیگر از بچه‌ها هم شروع به خواندن دعای کمیل کرد و در حین قرائت دعا نیز برای معنوی تر شدن فضای گفت: خدایا یک مشت گنهکاریم که اینجا جمع شده‌ایم به امید کرم و بخشش تو. امیدم به درگاه تو تا گناهان ما را ببخشی... داشتیم بمبظور می‌گفت که ناگهان یکی از اسرا به نام مشهدیه قنبر که به اختصار مش قنبر صدایش می‌کردیم، گفت: اخوی، شما اگر گناهی داری فکری به حال خودت کن. ما که چند سال است در این اردگاه حبس هستیم، نه از دیوار کسی بالا رفتیم، نه چشم‌مان به نامرحمی افتاده، اصلاً نمی‌توانیم گناهی انجام بدهیم... حرف مش قنبر فضا را کلاً بهم ریخت و همه زرد زید خنده...



مقرر لشکر امام حسین(ع) در دار خوین بود و اکثر نیروهای اعزامی استان اصفهان به این مقر می‌رفتند. هر وقت قسار بود عملیاتی شود، یکی دو شب قبل بچه‌ها در مسجد دار خوین جمع می‌شدند و در مراسم سخنرانی و مداحی شرکت می‌کردند. این مراسم معنوی برای بالا رفتن روحیه و پچه‌ها و حفظ آمادگی آنها برای شرکت در عملیات بسیار مؤثر بود

بالا رفتن روحیه بچه‌ها و حفظ آمادگی آنها

برای شرکت در عملیات بسیار مؤثر بود.

یک شب قبل از آغاز یک عملیات، بچه‌ها در مسجد شهر ک جمع شدند. استاد مداحی پشت میکروفن ایستاد و برای اینکه فضا را ملکوتی کند، گفت: بچه‌ها خیلی از شماها دو، سه شب دیگر نیستید. احتمال دارد چند روز بعد پیکر تان تشییع شود... به‌منظور که دانش صحت می‌کرد، یک بسیجی نوجوان با لهجه اصفهانی گفت: «هیگما! این مداح می‌خواد همه ما رو از دم تیغ بگذرونه. بغرست مون اون دنیا. ما هنوز جونیم، باید حالا حال‌ها بچنگیم و دست آخر هم اگه

		۵		۴	۳
		۱			۷
			۵	۳	۸
		۳			۸
	۶	۸		۲	
		۷		۱	۲
				۳	
		۹		۸	۲

۸	۵	۷	۶	۸	۵	۱	۸	۷	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵
۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۸
۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	۵	۶	۷	۸	۱	